نشریه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
سال ۱۱، تابستان ۹۹، شماره ۳۹
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات ۵۲ ـ ۳۱

Scientific Journal
The History Of Islamic Culture and Civilization
Vol. 11, Summer 2020, No. 39
Scientific Research Article

بسترشناسی تاریخی فهم محتوای حدیث زینت

کریم نجفی* / نعمت‌الله صفری فروشانی**
محمدطاهر یعقوبی*** / صفرعلی قانونی****

چکیده

فهم دقیق‌تر احادیث ائمه‌ﷺ نیازمند به بسترشناسی تاریخی است بدین معنا که کلام امامﷺ در چه زمان، مکان و فضایی نقل‌شده است. یکی از این احادیث حدیث زینت است. این نوشتار عهده‌دار بسترشناسی تاریخی حدیث زینت است تا بتواند تحلیل دقیق‌تری از آن ارائه نماید. برای این هدف با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با ارجاع به منابع روایی تاریخی به بررسی وضعیت ویژه دوران امام صادقﷺ پرداخته و سپس آسیب‌های اجتماعی موجود در عصر ایشان را مورد بررسی قرار داده و در ادامه به کارکردهای حدیث زینت پرداخته است. بررسی و تحلیل‌ها نشان داد که بسترشناسی تاریخی نقش بسیار مهمی در تحلیل محتوای احادیث دارد و در این تحقیق روشن شد که حدیث زینت در پی هویت بخشیدن شیعیان و تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز آنان با دیگران و سازمان‌دهی اقلیت شیعی در درون اکثریت سنی نقل شد و نقشه راهی برای تمام شیعیان در همه اعصار است تا آنان را به جایگاه اجتماعی مطلوب برساند.

واژگان کلیدی

گفتمان حدیث زینت، امام صادقﷺ، حدیث زینت.

---

*. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور. karimnajafi32@gmail.com
**. استاد گروه تاریخ اسلام جامعة المصطفیﷺ العالمیه. nsafari8@gmail.com
***. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن دانشگاه پیام نور. taher113@gmail.com
****. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری پیام نور رشته مدرسی معارف اسلامی (گرایش تاریخ تمدن اسلامی) و مدرس دروس معارف اسلامی. ganon1356@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶

طرح مسئله

یکی از منابع مهم آموزه‌های شیعی، حدیث شریف زینت است. حدیثی که از امام صادق‌علیه‌السلام به سه گونه متعدد نقل‌شده و حضرت در روایتی رفتار شایسته و نیکوی شیعیان را زینت اهل‌بیت‌علیهم‌السلام دانسته است[۱] و در روایتی دیگر[۲] هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و در روایتی[۳] خوش‌زبانی و سخن نیکو را زینت ائمه‌علیهم‌السلام دانسته است. امام صادق‌علیه‌السلام با بیان حدیث زینت به دنبال مأموریتی بود که به‌حسب شرایط بر عهده داشت و با تحلیل دقیق محتوای حدیث می‌توان به مأموریت امام پی‌برد، اما تحلیل دقیق محتوای حدیث علاوه بر شناخت منبع، سند و متن حدیث، نیازمند بسترشناسی تاریخی نیز می‌باشد، بدین معنا که کلام امام در چه فضایی بوده است؟ زیرا بررسی موقعیت زمانی و مکانی، زمینه مناسبی برای تحلیل دقیق‌تر حدیث فراهم می‌کند. از این‌رو در تحقیق پیش‌رو ابتدا وضعیت ویژه دوره امامت امام صادق‌علیه‌السلام مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس به آسیب‌های اجتماعی موجود در عصر امام اشاره و در آخر به کارکردهای حدیث پرداخته می‌شود.

در ارتباط با بسترشناسی این حدیث هیچ‌گونه تألیفی یافت نشد، گرچه بحث زینت از مباحثی است که از گذشته تاکنون مورد توجه همگان بوده و آثار ارزنده‌ای به نگارش درآمده است. ازجمله می‌توان به زینت و زیبایی در اسلام، نقش جایگاه زینت و تجمل در سبک زندگی اسلامی، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، اخلاق در قرآن و معارف قرآن، قرآن و زیبایی‌شناسی، اسراف از دیدگاه اسلام، اسلام و الگوی مصرف، دین و سبک زندگی، نقش زمان و مکان و مقتضیات آنها در گزاره‌های عاشورایی و نقش بسترشناسی در تحلیل قیام عاشورا اشاره نمود؛ اما تمایز قابل‌ذکر پژوهش فعلی در این است که این آثار بیشتر به مسئله زینت و تجمل در دیدگاه اسلامی و نیز در برخی موارد به نقد زینت‌گرایی و همچنین به مسئله سبک زندگی در قرآن و روایات و نقش بسترشناسی در تحلیل عاشور پرداخته و در هیچ‌کدام به نقش بسترشناسی تاریخی حدیث زینت اشاره نشده است.

الف) توضیح واژگان

۱. گفتمان

گفتمان از نظر لغوی به معنی حرکت سریع در جهات مختلف است. گرچه این مفهوم به معنی تجلی

---

۱. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۲، ص ۷۷.
۲. همان، ص ۲۱۹؛ حر عاملی، ***وسائل الشیعه***، ج ۱۶، ص ۲۱۹؛ نجاشی، ***رجال نجاشی***، ص ۴۳۳.
۳. صدوق، ***أمالی***، ص ۴۰۰.

زبان در گفتار یا نوشتار به‌کاربرده می‌شود، ولی همان‌طور که از ریشه آن پیداست، در علم کلاسیک بر زبان به‌عنوان حرکت و عمل تأکید شده است.[۱] گفتمان در اصطلاح معانی بسیار متعددی دارد، به‌عنوان نمونه از نظر فوکو عبارت است از تفاوت میان آنچه می‌توان در دوره‌ای معین به‌صورت درست گفت و آنچه در واقع گفته می‌شود.[۲] به‌نظر نگارنده گفتمان چهارچوب نظری و فکری هر مکتبی است که توسط آن اعمال و رفتار پیروان مکتب کنترل و سازمان‌دهی می‌شود که هدف امام صادق‌علیه‌السلام در گفتمان حدیث زینت نیز همین بود؛ زیرا هر گفتمانی دلالت‌کننده‌هایی دارد که برخی از این دال‌ها برای گفتمان جنبه محوری دارند و به تعبیر دیگر دال مرکزی نامیده می‌شوند و دال‌های دیگر بر حول محور دال مرکزی قرار دارند.[۳] در حدیث زینت نیز دال مرکزی بازسازی هویت اصیل شیعیان بود که در نتیجه دال‌های دیگری همچون اصلاح رفتار، زبان، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و غیره محقق شد. زمینه شکل‌گیری گفتمان‌ها در تعارض با گفتمان دیگر است، به همین دلیل گفتمان حدیث زینت یکی از اقدامات امام صادق‌علیه‌السلام بود تا بدین‌وسیله شیعه را در مرکز نظام اجتماعی قرار دهد، زیرا در زمان امامت امام صادق‌علیه‌السلام گفتمان‌های ضدشیعه به راه افتاد، به‌گونه‌ای که هویت اصیل شیعیان را در جامعه مورد هجمه قرارداد.[۴]

۲. زین

«زینت» از ماده «زین» می‌آید که مقابل زشتی است.[۵] طریحی در ***مجمع البحرین*** می‌گوید: «زینت آن چیزی از زیورآلات و لباس و مانند آن است که انسان به‌واسطه آن آراسته می‌شود»؛[۶] در ***المحیط*** چنین آمده است: «زینت اسم جامعی برای هر چیزی است که به‌واسطه آن آراسته شود و معنای آن زین است».[۷] همچنین، «زین» به‌معنای آراستن، آراستگی و زینت است و در مفهوم پسندیده بودن، خوبی و نیکویی نیز به‌کاررفته و زینت حقیقی آن چیزی است که به انسان در هیچ‌یک از احوال او، نه در دنیا و نه در آخرت صدمه نزند و عیب و نقصی وارد نکند.[۸]

---

۱. عضدانلو، «درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان»، ***اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی***، ش ۱۰۳ ـ ۱۰۴، ص ۴۸.
۲. آقابخشی و افشاری، ***فرهنگ علوم سیاسی***، ص ۱۹۱.
۳. بهروز لک، «اسلام سیاسی و جهانی‌شدن»، ***فصلنامه مطالعات راهبردی***، ش ۱۳، ص ۱۴۹.
۴. جعفریان، «روش ابن‌حزم در نقد اخبار تاریخی»، ***حوزه و پژوهش***، ۱۳۸۲، ص ۳۳۷؛ صفری فروشانی، ***غالیان***، ص ۳۱۳.
۵. فراهیدی، ***العین***، ج ۷، ص ۳۸۷.
۶. طریحی، ***مجمع البحرین***، ۶، ۲۶۲.
۷. صاحب، ***المحیط فی اللغه***، ۹، ۹۴.
۸. راغب اصفهانی، ***مفردات فی غریب القرآن***، ص ۲۱۸.

۳. شین

«شین» به معنای عیب و زشتی است و در مقابل «زین» قرار دارد.[۱] مفهوم «شین» در عبارت «ولاتکونوا علینا شینا» نیز عام است و هرگونه زشتی را شامل می‌شود.

ب) بررسی وضعیت ویژه دوران امام صادق علیه‌السلام

دوران امامت امام صادق علیه‌السلام (۱۴۸ ـ ۱۱۴ ق) متمایز با دوران امامان قبلی بود و فرصت‌های بسیار زیادی را در اختیار حضرت قرارداد، زیرا حضرت توانست طولانی‌تر از هر امام دیگری امامت و سرپرستی شیعیان را به عهده داشته باشد.[۲] علاوه بر آن دوران امامت امام صادق علیه‌السلام مصادف شد با تزلزل بنی‌امیه و فزونی یافتن قدرت بنی‌عباس و همین امر موجب شد تا بنی‌امیه گرفتار مشکلات سیاسی شوند و فرصت ایجاد فشار به امام را نداشته باشند و از طرف دیگر عباسیان نیز چون درپی به‌دست آوردن قدرت با شعار طرفداری از خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند، فشاری از طرف آنان بر امام و شیعیان وارد نشد و این دوران، زمان آرامش نسبی برای شیعیان و امام بود و به همین جهت عصر امام صادق علیه‌السلام منحصربه‌فرد بود و حضرت توانست به فعالیت‌های علمی و فرهنگی[۳] و استحکام بنیادهای فکری شیعه بپردازد و هویت جامعه شیعی را بازگرداند تا از این زمان به‌عنوان مذهب جعفری یاد شود.[۴]

همچنین فرصت‌های به‌دست‌آمده برای امام صادق علیه‌السلام موجب شد تا حضرت به نشر حدیث بپردازد، زیرا در زمان‌های قبلی ازجمله در زمان بنی امیه کسی جرأت نقل حدیث را نداشت، به‌نحوی‌که مالک ابن انس از امام صادق علیه‌السلام تا زمان به حکومت رسیدن بنی‌عباس حدیث نقل نکرد.[۵] به همین جهت شیخ مفید می‌گوید: از علمای اسلام فردی به‌اندازه امام صادق علیه‌السلام حدیث نقل نکرده است.[۶] به‌نحوی‌که ابوزهره ـ عالم سنی ـ به این امر معترف است.[۷] همین امر باعث شد تا آوازه علمی ایشان از امامان دیگر غیر از امام علی علیه‌السلام بیشتر پیچیده شود، تا جایی که عقوبی گزارش می‌کند که

---

۱. فراهیدی، ***العین***، ج ۷، ص ۳۸۷.
۲. کلینی، ***اصول الکافی***، ص ۱۹۳.
۳. پیشوایی، ***سیره پیشوایان***، ص ۳۵۴.
۴. کشی، ***رجال کشی***، ص ۲۵۵.
۵. ذهبی، ***سیر اعلام النبلاء***، ج ۶، ص ۲۵۶.
۶. اربلی، ***کشف الغمه***، ج ۲، ص ۱۶۶.
۷. حیدر، ***امام صادق علیه‌السلام و مذاهب چهارگانه***، ص ۶۶.

دانشمندان در زمان امام صادق‌علیه‌السلام وقتی روایتی از او نقل می‌کردند، می‌گفتند: «عالم فاضل به ما اطلاع داد».[۱]

عامل دیگری که این دوران را متفاوت کرد، تضارب افکار بود، زیرا علوم مختلفی در میان مسلمانان پدید آمد و همین امر تشنگی علمی عجیبی را به‌وجود آورد که در گذشته وجود نداشت.[۲]

یکی دیگر از فرصت‌های دوران امامت امام صادق‌علیه‌السلام، برخورداری از جایگاه اجتماعی در میان مردم مدینه بود، هرچند که اکثریت آنان از اهل‌سنت بودند.[۳] زیرا امام از طرف مادر منسوب به قاسم بن محمد بن ابوبکر بود که مردم مدینه او را از محدثین بزرگ زمان می‌دانستند و نزد آنان مقبول بود.[۴] علاوه بر این حضرت در نزد اهل‌سنت از جایگاه علمی و معنوی بسیار بالایی نیز برخوردار بود، به‌نحوی‌که او را استاد مسلمِ ابوحنیفه، مالک ابن انس و شمار زیادی از محدثان بزرگ زمان خود به شمار آورده‌اند. مالک نیز از شخصیت امام تمجید می‌کرد.[۵] همچنین جاحظ ـ از علمای قرن سوم ـ می‌گوید: جعفربن محمد کسی بود که فقهش عالم‌گیر شد.[۶]

درباره جایگاه علمی و معنوی امام صادق‌علیه‌السلام در میان اهل‌سنت، سخنان بسیار زیادی از اندیشمندان نقل‌شده است که استاد اسد حیدر قسمت عمده آن را در کتاب ***الامام الصادق و المذاهب الاربعه*** گردآورده است.[۷] کثرت دانش‌اندوزانِ اهل‌سنت در درس امام صادق‌علیه‌السلام نشان‌دهنده عظمت علمی و معنوی و جایگاه اجتماعی ایشان در میان آنها است. این فرصت برای پیشوایان قبل از امام صادق‌علیه‌السلام فراهم نشد، به‌گونه‌ای که ابوزهره می‌نویسد: دانشمندان اسلام با تمام اختلاف‌نظر، در فردی مثل امام صادق‌علیه‌السلام و علم او اتفاق‌نظر دارند.[۸]

عامل دیگری که زمان امام صادق‌علیه‌السلام را از زمان‌های دیگر متمایز ساخت، وجود قیام‌هایی همچون قیام زید بن علی در سال ۱۲۲ ق[۹] و قیام محمد نفس زکیه در سال ۱۴۵ ق بود.[۱۰] گرچه این

---

۱. یعقوبی، ***تاریخ یعقوبی***، ج ۲، ص ۳۸۱.
۲. پیشوایی، ***سیره پیشوایان***، ص ۳۵۴.
۳. یعقوبی، ***تاریخ یعقوبی***، ج ۳، ص ۴۶؛ کشی، ***رجال کشی***، ص ۷۶ ـ ۷۹.
۴. ابن‌سعد، ***طبقات***، ص ۱۸۹؛ طبری، ***تاریخ طبری***، ج ۲، ص ۱۱۸۳.
۵. حیدر، ***امام صادق‌علیه‌السلام و مذاهب چهارگانه***، ج ۲، ص ۵۳.
۶. جاحظ، ***رسائل جاحظ***، ص ۱۰۶.
۷. حیدر، ***امام صادق‌علیه‌السلام و مذاهب چهارگانه*** ج ۱، ص ۶۲ ـ ۵۱.
۸. همان، ص ۶۶
۹. طبری، ***تاریخ طبری***، ج ۷، ص ۱۶۲ ـ ۱۶۶.
۱۰. دینوری، ***الامامة و السیاسة***، ص ۳۷۸.

قیام‌ها جنبه تخریبی داشتند و با شکست مواجه شدند اما توانستند زمینه را برای قیام‌های بعدی مساعد نمایند و نقش امام صادق‌علیه‌السلام را برای آینده فعال کنند[۱] و مدت‌زمان زیادی حکومت را درگیر خود نمایند و برای امام فرصت ویژه‌ای را فراهم کنند. این قیام‌ها اثر عمیقی بر بسط و توسعه کل نهضت تشیع گذاشتند، به‌طوری‌که بسیاری از فضلای کوفه و رهبران شهرهای دیگر، از اهداف زید پشتیبانی و یا با او همدردی نمودند.[۲]

تقیه یکی دیگر از فرصت‌هایی بود که برای امام صادق‌علیه‌السلام حاصل شد، به‌گونه‌ای که بیشترین روایات تقیه از ایشان صادر شده است. ظهور تقیه در این عصر معلول فشارهای سهمگین حکومت‌های مرکزی، طولانی بودن دوران امامت حضرت و توفیق فراوان ایشان در نشر معارف، شدت اختلاف اقلیت شیعیان با اکثریت سنی و فعالیت غالیان بود.[۳] به همین جهت بیشتر فعالیت‌های امام در این عصر به صورت پنهانی انجام گرفت، لذا تاریخ به‌طور دقیق چگونگی کار امام را گزارش نکرده است اما به‌طور مسلم رهبری شیعه دارای برنامه و فعالیت‌های پنهانی در جهت انسجام امامی‌مذهبان بود که در دوره‌های بعد آثارش نمایان شد.[۴]

ج) آسیب‌های اجتماعی موجود در عصر امام صادق‌علیه‌السلام

عصر امامت امام صادق‌علیه‌السلام فقط دارای فرصت نبود بلکه در این زمان آسیب‌های متعددی امام و شیعیان را تهدید می‌نمود. از این‌رو چون حدیث زینت ناظر به مسائل اجتماعی است، در اینجا تنها به مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی موجود در عصر امام صادق‌علیه‌السلام پرداخته می‌شود.

۱. وجود غالیان

غالیان ازجمله کسانی بودند که با رخنه نمودن در درون جامعه شیعیان، تلاش کردند تا آنان را از درون متلاشی نموده و چهره خارجی آنان را نیز خراب نمایند؛ به‌نحوی‌که یکی از خوارج، شیعه را مورد تهمت قرارداد که شیعه به جهت دوستی با اهل‌بیت‌علیهم‌السلام از انجام عمل صالح بی‌نیاز و عذاب اخروی از آنها برداشته‌شده است![۵]

---

۱. جعفری، ***تشیع در مسیر تاریخ***، ص ۳۱۲.
۲. ابوالفرج اصفهانی، ***مقاتل الطالبیین***، ص ۱۴۵ به بعد.
۳. صفری فروشانی، ***نقش تقیه در استنباط***، ص ۹۴ ـ ۹۳.
۴. طقوش، ***دولت عباسیان***، ص ۶۷.
۵. ابوالفرج اصفهانی، ***مقاتل الطالبیین***، ج ۲۰، ص ۱۰۷.

غلات با دروغ بستن به اهل‌بیت علیهم‌السلام و منتسب کردن خود به آنان، موجب کینه مردم نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام شدند و مکتب تشیع را منزوی نمودند و مانع از نشر مبانی تشیع شدند،[۱] به‌حدی که حتی بسیاری از رهبران و نویسندگان اهل‌سنت[۲] تفاوت چندانی بین غلات و شیعیان قائل نشدند و پیروان خود را از پذیرش احادیث آنان منع کردند.[۳] از این‌رو عمده آسیب غالیان، فراهم نمودن زمینه نگاه منفی به امام صادق علیه‌السلام و شیعیان بود.

آسیب دیگر وجود غالیان، ایجاد تفرقه بین شیعیان بود. به‌نحوی‌که در روایتی عیسی جرجانی به امام صادق علیه‌السلام گفت که گروهی از غلات، شما را به‌جای خدا عبادت می‌کنند و تعدادی دیگر نسبت پیامبری به شما می‌دهند. راوی می‌گوید، امام صادق علیه‌السلام با شنیدن این مطلب چندان گریه کردند که صورت مبارکشان از اشک چشمش خیس شد، سپس فرمود: اگر خداوند آنان را در دسترس من قرار دهد و من خون آنان را نریزم، خداوند خون فرزندانم را به دست من بریزد.[۴] غلات با نادیده گرفتن اراده خداوند، بر علم غیب امامان و توانایی آنها در تقسیم روزی و تعیین اجل بندگان تأکید می‌کردند و این شبهه را به وجود آوردند که باوجود این توانایی‌ها در ائمه، چرا ایشان مانع از رسیدن ضرر نمی‌شوند، و با این روش در امامت آنان تردید ایجاد کردند.[۵]

ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام گفتم: غلات می‌گویند که شما تعداد قطرات باران و عدد سنگ‌ها و برگ درختان و وزن موجودات در دریا را می‌دانید، امام دست‌ها را به آسمان بلند کرد و فرمود: سبحان‌الله، سبحان‌الله، قسم به خدا که کسی به این امور آگاه نیست.[۶] شماری از غلات نیز برای نماز و روزه و حج، واقعیتی قائل نبودند و محبت امام را کافی می‌دانستند و با اباحه گری، بسیاری از مفاسد را انجام می‌دادند.[۷]

خطر دیگر غالیان برای جامعه شیعی این بود که آنان تلاش کردند تا مفاهیم دینی را تأویل ببرند و نمادین جلوه دهند. آنها از قول امام صادق علیه‌السلام نقل کردند که هرکس امام را شناخت، هر کاری که دوست دارد می‌تواند انجام دهد اما امام فرمود که هرگاه شناخت به‌معنای معرفت حاصل شد،

---

۱. صدوق، ***امالی***، ص ۲۷ ـ ۲۶.
۲. صفری فروشانی، ***غالیان***، ص ۳۱۳.
۳. جعفریان، ***حیات فکری سیاسی امامان شیعه***، ص ۳۳۷.
۴. سهمی، ***تاریخ جرجان***، ص ۳۲۲.
۵. کشی، ***رجال کشی***، ص ۳۲۵ ـ ۳۲۴.
۶. همان، ص ۲۹۹.
۷. نوبختی، ***فرق نوبختی***، ص ۷۴.

اعمال نیز قبول می‌شود[۱] و به همین جهت امام بارها به شیعیان خود فرمود که احادیث مغیره بن سعید العجلی (یکی از شیعیان افراطی) را نپذیرند.[۲]

بنابراین غلات در این دوره از تاریخ امامت امام صادق‌علیه‌السلام تأثیر به‌سزایی در تخریب ایشان و شیعیان واقعی آن حضرت داشتند. همچنین آنها با حدیث‌سازی و انتساب به امام صادق‌علیه‌السلام جایگاه امامت را پایین آوردند که نمونه بارز آن ابوالخطاب و یاران او بودند و به همین جهت است که امام رضاعلیه‌السلام او را مورد لعن قرارداد.[۳]

۲. عدم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز

یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی در زمان امام صادق‌علیه‌السلام عدم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان بود، به‌طوری‌که برخی از اصحاب امام معاشرت با اهل‌سنت را ترک کردند. آنها معتقد بودند که اگر در برخورد با اهل سنت عقیده خود را بیان کنند، موجب کینه و دشمنی خواهد شد و اگر عقیده خود را مخفی و تقیه نمایند، خود را مقصر در ادای حق دانسته‌اند.[۴] درحالی‌که توصیه بر وحدت بین مسلمانان از آموزه‌های مهم اسلامی است و قرآن به آن تأکید نموده است.[۵]

از این‌رو یکی از عواملی که موجب عدم هم‌بستگی بین اهل سنت و شیعیان گردیده بود، وجود فرقه‌های مختلف بود. به‌عنوان‌مثال زیدیه در ابتدا رنگ و بوی سیاسی داشت اما بعد از قتل زید بن علی به فرقه فکری تبدیل شد.[۶] همین عامل موجب شد تا بسیاری از شیعیان از زید دور شوند و هم‌بستگی میان آنان از بین برود؛ اما آنچه حائز اهمیت است، اختلاف زیدیه با امامیه در مسئله تقیه بود، چراکه تقیه از مسائل مهم مکتب امامیه محسوب می‌شود که علی‌رغم تأکید امام صادق‌علیه‌السلام بر این مسئله، زیدیه مخالف تقیه بودند و قیام به سیف را واجب می‌دانستند.[۷]

عامل دیگری که موجب اختلاف بین شیعیان امامی گردید، احکام فقهی آنان بود چون برخی متمایل به پذیرش عمل اصحاب حدیث کوفه بودند و بر پایه دستورات آنان عمل می‌کردند.[۸]

---

۱. کلینی، ***اصول کافی***، ج ۴، ص ۴۶۴.
۲. نوبختی، ***فرق نوبختی***، ص ۴۳.
۳. کشی، ***رجال کشی***، ص ۲۲۴.
۴. مکارم شیرازی و دیگران، ***تفسیر نمونه***، ج ۱، ص ۴۱۰ ـ ۴۰۵.
۵. آل‌عمران (۳): ۱۰۳.
۶. ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۹، ص ۳۱۱؛ ذهبی، ***تذکرة الحفاظ***، ج ۴، ص ۳۰۰؛ اصفهانی، ***مقاتل الطالبین***، ۱۳۹ ـ ۱۳۰.
۷. صابری، ***تاریخ فرق اسلامی***، ج ۲، ص ۸۱.
۸. اشعری، ***المقالات و الفرق***، ص ۲۱۸؛ صدوق، ***من لایحضر الفقیه***، ج ۴، ص ۱۱۸.

این اختلاف در احکام اعتقادی باعث تفرقه میان شد. شیعیان به‌عنوان نمونه فرقه مرجئه معتقد بودند که مسلمان با ارتکاب گناه کبیره از اسلام خارج نمی‌شود و همین امر موجب شد تا سکوت اختیار کنند و اطاعت محض از حکومت داشته باشند و بگویند که اگر امام مرتکب گناه کبیره شد، از مسلمانی خارج نمی‌شود و نمازخواندن با او نیز صحیح است، آنها اعتقاد داشتند که همه‌چیز به ایمان بستگی دارد و اگر ایمان درست باشد، نبود عمل به آن ضرر نمی‌زند.[۱] این اندیشه باعث شد که روح انقلابی اسلام از بین برود، چراکه مردم بدون هیچ قید و شرطی حکمرانی امویان و دیگر حاکمان را می‌پذیرفتند هرچند آزار و اذیت آنان به بالاترین حد خود برسد.[۲] بنابراین تفکرات این فرقه برای شیعیان امامی بسیار خطرناک بود زیرا آنان با این نوع تفکر زمینه را برای خلافت فراهم ساختند و حتی معتقد بودند که برای از بین بردن جنگ‌های داخلی میان مسلمانان، مانعی ندارد که دو خلیفه هم‌زمان باهم حکومت کنند. مرجئه با این اندیشه‌های انحرافی خود، فضای فکری جامعه را آلوده و شکافی عمیقی میان جامعه شیعیان ایجاد کردند.[۳]

همچنین تفکر اعتزالی نیز که توسط واصل بن عطا نشر پیدا کرد و به نام معتزله نام گرفت،[۴] توانست در وضعیت فکری، فرهنگی و اجتماعی شیعیان تأثیر زیادی بگذارد. بنابراین صدور حدیث زینت به جهت جو فرهنگی و اجتماعی حاکم بر آن زمان بود.

۳. بی‌توجهی یا عدم آگاهی برخی از اصحاب به حساسیت‌های زمانه

در زمان امام صادق‌علیه‌السلام شیعیان پراکندگی بسیاری داشتند بیشتر آنان در عراق و آن‌هم در کوفه بودند و در سایر مراکز عراق شیعه چندانی وجود نداشت، و یا در شهری مثل مدینه شیعیان در اقلیت بودند.[۵] به همین جهت بی‌توجهی و یا عدم آگاهی بعضی از اصحاب امام از حساسیت‌های موجود، باعث به وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی برای امام و شیعیان شد. به‌عنوان‌مثال ابان بن تغلب از اصحاب و راویان ثروتمند امام صادق‌علیه‌السلام زنی را در مکه متعه کرد ولی آن زن برایش نقشه کشید و توانست او را در صندوقی حبس کند! آنگاه توسط چند کارگر، صندوق را به باب‌الصفای مسجدالحرام آوردند و به ابان گفتند: «اینجا باب‌الصفا است، می‌خواهیم فریاد بزنیم این ابان بن تغلب است و قصد زنا با زنی را داشت.

---

۱. شهرستانی، ***ملل و نحل***، ج ۱، ص ۱۶۲.
۲. معروف حسنی، ***سیرة الائمة الاثنی عشر***، ۱۳۷۱، ص ۱۷۴.
۳. قیومی، ***الخوارج و المرجئه***، ص ۱۳۴ ـ ۱۳۳؛ ص ۱۰۹ ـ ۱۰۸.
۴. مسعودی، ***مروج الذهب***، ج ۴، ص ۲۲.
۵. ابن‌معین، ***تاریخ یحیی بن معین***، ج ۴، ص ۳۷۲.

پس ابان با پرداخت ده هزار درهم به آنها خود را آزاد کرد».[۱] وقتی این خبر به امام صادق‌علیه‌السلام رسید «فرمود: مردم را با اعمالتان به خود دعوت کنید نه با زبانتان، مایه زینت ما باشید، موجب ننگ ما نباشید».[۲] گرچه ابان کار حرامی را انجام نداده بود اما به جهت اینکه اهل‌سنت در مکه و مدینه در اکثریت بودند و متعه را حرام می‌دانستند و در این زمان به‌گونه‌ای فرهنگ‌سازی شده بود که اگر کسی ازدواج موقت انجام می‌داد، این عمل زنا تلقی می‌شد[۳] و از طرفی چون برای شیعیان که در اقلیت بودند بسیار خطرناک بود؛ به همین دلیل حضرت به اصحاب فرمود: «در مکه و مدینه، متعه را به من ببخشید؛ زیرا با من در رفت و آمد هستید. می‌ترسم شما را بگیرند و اتهام زنا بزنند و سپس بگویند اینها اصحاب جعفرند».[۴]

ابان بن تغلب از مشاهیر اتباع تابعین در کوفه بود.[۵] شاهد بر مدعی اینکه وقتی به مدینه می‌آمد، حلقه درس دیگران تعطیل می‌شد و حتی ساریةالنبی (ستونی در مسجدالنبی) به او واگذار می‌شد.[۶] همچنین وقتی نزد امام صادق‌علیه‌السلام می‌آمد، حضرت به او احترام می‌نمود و دستور می‌داد بالشتی برای وی بیاورند، با او دست داده و معانقه می‌کرد و از احوال او جویا می‌شد.[۷] اینها قرائنی است که ابان در مدینه نبود و از اوضاع‌واحوال فرهنگی و اجتماعی مکه و مدینه آگاهی کامل نداشت. از طرفی ابان بن تغلب یک فرد عادی نبود و در میان شیعیان بسیار برجسته بود و بسیاری از اهل‌سنت همچون احمدبن حنبل، یحیی بن معین، نسائی، ابوحاتم و دیگران او را ثقه دانستند.[۸] بنابراین توجه نداشتن برخی از شیعیان و اصحاب به حساسیت‌های زمانه، زمینه بدبینی به امام شیعیان را فراهم نمود.

د) کارکرد گفتمان حدیث زینت

۱. هویت‌بخشی به شیعیان

چنانچه بیان شد در عصر امام صادق‌علیه‌السلام گروه‌های ضدشیعی با ترویج اباحه‌گری[۹] و تأویل بردن

---

۱. مفید، ***رسالة المتعة***، ص ۱۵.
۲. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۲، ص ۷۷.
۳. مطهری، ***نظام حقوق زن در اسلام***، ص ۴۷.
۴. مفید، ***رسالة المتعه***، ص ۱۵.
۵. ابن‌حبان، ***مشاهیر علما الامصار***، ص ۲۵۹.
۶. نجاشی، ***رجال نجاشی***، ج ۱، ص ۱۱.
۷. حلی، ***ترتیب خلاصة الاقوال***، ج ۱، ص ۱۰ ـ ۹.
۸. حافظ‌مزی، ***تهذیب الکمال***، ج ۲، ص ۷؛ ابن‌سعد، ***طبقات***، ج ۶، ص ۳۴۲؛ ابن ابی‌حاتم، ***الجرح و التعدیل***، ج ۱، ص ۲۷۹؛ ابن‌حبان، ***مشاهیر علما الامصار***، ج ۶، ص ۶۷؛ ذهبی، ***تذکرة الحفاظ***، ج ۱، ص ۶.
۹. نوبختی، ***فرق***، ص ۷۴.

مفاهیم دینی شیعه و با دروغ بستن به اهل‌بیت علیهم‌السلام و منتسب کردن خود به آنان، موجب کینه و دشمنی مردم نسبت به آنان شدند و مکتب تشیع را منزوی کرده و مانع از نشر مبانی تشیع شدند.[۱] همچنین آنها با تأکید بر علم غیب امامان و توانایی آنها در تقسیم روزی و تعیین اجل بندگان، اراده الهی را نادیده انگاشتند و بدین طریق در امامت آنان تردید ایجاد کردند.[۲] اعمال و رفتار گروه‌های ضدشیعه به‌حدی چهره و هویت اصلی شیعیان را تخریب کرد که بسیاری از غیرشیعیان، تفاوت چندانی بین شیعه و ضدشیعه قائل نبودند.[۳]

اما امام صادق علیه‌السلام با بیان حدیث زینت، اقدام به بازسازی هویت شیعی نمود. چنانچه در این حدیث به شیعیان فرمود: مایه زینت ما باشید و مایه ننگ ما نباشید،[۴] زیرا یکی از عواملی که در زمان حضرت موجب ننگ و از دست رفتن هویت شیعیان شد، معرفی آنان توسط فرقه‌های ضدشیعی بود. به همین جهت حضرت شیعیان را از نشست و برخاست با گروه‌های انحرافی همچون غلات منع نمود و مایه زشتی دانست و با اشاره به ابوالخطاب و غالیان، به مفضل فرمود: ای مفضل با غلات نشست‌وبرخاست نکنید و با آنان هم‌غذا نشوید و همراهشان چیزی ننوشید و با آنان مصافحه نکنید.[۵] امام صادق علیه‌السلام شیعیان را از هم‌نشینی با اهل بدعت نیز نهی نمود، زیرا هم‌نشینی با آنان را موجب کفر و گمراهی آشکار در قلب دانست[۶] و آنها را بدتر از مجوس و یهود و نصارا و مشرکین برشمرد.[۷] از این‌رو اگر امام صادق دست به چنین اقدامی نمی‌زد و شیعیان را از ارتباط با دشمنان نهی نمی‌کرد، هویت اصیل شیعیان تخریب می‌شد و شیعه طور دیگری به دنیا معرفی می‌شد.

گرچه امام صادق علیه‌السلام شیعیان را از نشست‌وبرخاست با برخی از گروه‌ها نهی نمود[۸] ولی در مقابل آنها را به مشارکت اجتماعی، با اهل‌سنت تشویق نمود[۹] تا بدین‌وسیله برای شیعیان در مقابل اجتماع، ایجاد تکلیف نماید، چراکه تشیع منشأ بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است و اگر شیعه مسئولیت‌پذیر نبود، نمی‌توانست در مقابل ناهنجاری‌های اجتماعی خود را حفظ نموده و به آنها پاسخ دهد

---

۱. صدوق، ***امالی***، ص ۲۷ ـ ۲۶.
۲. کشی، ***رجال***، ص ۳۲۵ ـ ۳۲۴.
۳. جعفریان، «روش ابن‌حزم در نقد اخبار تاریخی»، ***حوزه و پژوهش***، ۱۳۸۲، ص ۳۳۷؛ صفری فروشانی، ***غالیان***، ص ۳۱۳.
۴. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۲، ص ۷۷؛ حر عاملی، ***وسائل***، ج ۱۶، ص ۲۱۹؛ صدوق، ***امالی***، ص ۴۰۰.
۵. کشی، ***رجال***، ح ۵۲۵.
۶. گیلانی، ***مصباح الشریعه***، ص ۳۸۹.
۷. کشی، ***رجال***، ص ۳۰۰.
۸. کشی، ***رجال***، ح ۵۲۵؛ گیلانی، ***مصباح الشریعه***، ص ۳۸۹.
۹. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۲، ص ۲۱۹؛ حر عاملی، ***وسائل***، ج ۱۶، ص ۲۱۹؛ نجاشی، ***رجال***، ص ۴۳۳.

و در آن مضمحل می‌شد و هویت خود را از دست می‌داد. همچنین هدف امام صادق‌علیه‌السلام از مشارکت دادن شیعیان در امور اجتماعی،[۱] برخورداری شیعیان از امتیازات اجتماعی بود و تا زمانی که هویت آنان به وسیله حضور در اجتماع تثبیت نمی‌شد، نمی‌توانستند از امتیازات اجتماعی برخوردار شوند.

امام صادق‌علیه‌السلام با بیان حدیث زینت به ویژگی‌های خاص شیعیان همچون رعایت تقوا، رکوع و سجود طولانی، راست‌گویی و غیره پرداخت[۲] تا بدین‌وسیله شیعیان را از دیگر گروه‌ها متمایز نماید و شیعه را به‌عنوان یک مذهب و روش معرفی کند. در همین رابطه امام صادق‌علیه‌السلام به یکی از اصحاب خود به نام ابی اُسامهٔ بن زید می‌گوید:

> سلام مرا به هر کس که پیرو ما است و به گفته‌های ما گوش می‌کند، ابلاغ کن و از طرف من بگو: من شما را به تقوای الهی و پرهیزکاری در دینتان و تلاش و کوشش در راه خدا و راست‌گویی و امانت‌داری و سجده‌های طولانی و نیکو همسایه‌داری و ... سفارش می‌کنم؛ زیرا هرگاه کسی از شما در دینش ورع داشته باشد و راست بگوید و امانت را رد کند و اخلاقش را با مردم نیکو گرداند، مردم می‌گویند: این جعفری‌مذهب است و این مرا شادمان می‌سازد و از بابت آن شادمان می‌شوم و می‌گویند: این است روش ادب و تربیت جعفر صادق، ولی اگر برخلاف این باشد، گرفتاری آن به من می‌رسد و گفته می‌شود که این هم اثر تربیتی او است.[۳]

امام صادق‌علیه‌السلام درباره کسانی که با ترویج اباحه‌گری، دوستی و محبت به امام را برای نجات از عذاب کافی دانستند[۴] و هویت اعتقادی شیعیان را در جامعه تخریب نمودند، فرمود:

> سوگند به خدا کسی مقرب نمی‌گردد، مگر به طاعت و ما مدرکی برای دوری از آتش در دست نداریم! و نه کسی به نفع خود بر خدا حقی دارد. هر کس مطیع و فرمان‌بردار خدا باشد، دوست ما است؛ و هر کس خدا را معصیت کند، دشمن ما خواهد بود و کسی به ولایت ما نمی‌رسد مگر با عمل و دوری از حرام.[۵]

امام صادق‌علیه‌السلام با این روش، اعتقاد واقعی شیعیان را بیان کرد و آنها را از دیگران متمایز نمود.

---

۱. همان.
۲. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۲، ص ۷۷.
۳. حرّ عاملی، ***وسائل***، ج ۸، ص ۳۸۹.
۴. نوبختی، ***فرق***، ص ۷۴.
۵. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۲، ص ۷۴.

۲. ایجاد وحدت و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز

در حقوق بین‌الملل، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را این‌گونه تعریف کرده‌اند: زندگی ملت‌ها و اقوام مختلف به‌صورتی که در برابر قانون برابر باشند و حقوق همدیگر را رعایت و منازعات را به‌صورت مسالمت‌آمیز حل‌وفصل کنند.[۱] اما چنانچه گذشت در دوره امامت امام صادق‌علیه‌السلام هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان دچار آسیب شد، به‌طوری‌که برخی از اصحاب امام معاشرت با اهل‌سنت را ترک کردند[۲] و عواملی همچون فرقه‌های موجود در عصر امام[۳] و همچنین احکام گوناگون فقهی[۴] و اعتقادی[۵] موجب تفرقه گردید. این اختلاف‌ها برای مسلمانان و ازجمله شیعیان بسیار خطرناک بود؛ چون دشمنان ـ ازجمله دستگاه خلافت ـ از آن بهره‌برداری کردند و هم‌بستگی بین آنان را از بین بردند.[۶]

امام صادق‌علیه‌السلام درپی این آسیب اجتماعی، اقدام به زمینه‌سازی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز نمود و خوش‌زبانی و معاشرت نیکو را موجب زینت دانست؛[۷] زیرا خوش‌زبانی یکی از ابعاد مهم خوش‌خلقی است که موجب محبت و جلب قلوب دیگران می‌شود[۸] و باعث آبادانی شهرها و طولانی شدن عمر انسان‌ها می‌گردد.[۹] به همین جهت امام صادق‌علیه‌السلام می‌فرماید: با منافق با زبانت به‌طور ساختگی رفتار کن و برای مؤمن محبتت را خالص گردان و با یهودی خوش‌رفتار باش.[۱۰] برخورد گوناگون با عقاید مختلف، حکایت از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با پیروان دیگر ادیان دارد.

امام صادق‌علیه‌السلام تقیه را نیز زمینه‌ساز هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دانست و از پدرشان حکایت کرد که هرکس تقیه را مراعات کند، خدا او را بالا می‌برد و هرکس به تقیه عمل نکند، خدا او را پست می‌کند.[۱۱] این روایت حاکی از آن است که تقیه موجب عزت اجتماعی شده و رعایت حال دیگران موجب می‌شود که احترام مؤمنان در میان جامعه حفظ شود. امام در همین رابطه ایمان را به گوهری

---

۱. کریمی‌نیا، «ادیان الاهی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز»، ***رواق اندیشه***، ۱۳۸۲، ص ۸۹.
۲. مکارم، ***تفسیر نمونه***، ج ۱، ص ۴۱۰ ـ ۴۰۵.
۳. ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۹، ص ۳۱۱؛ ذهبی، ***تذکرة الحفاظ***، ج ۴، ص ۳۰۰؛ اصفهانی، ***مقاتل الطالبین***، ص ۱۳۹ ـ ۱۳۰.
۴. الهامی، ***سیری در تاریخ تشیع***، ص ۴۰۳.
۵. شهرستانی، ***ملل و نحل***، ج ۱، ص ۱۶۲.
۶. حیدر، ***امام صادق‌علیه‌السلام و مذاهب چهارگانه***، ص ۱۸۵.
۷. صدوق، ***أمالی***، ص ۴۰۰
۸. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۱، ص ۲۷.
۹. همان، ج ۲، ص ۱۰۰.
۱۰. حرعاملی، ***وسائل***، ج ۱۲، ص ۲۰۱.
۱۱. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۱، ص ۲۱۷.

گران‌بها تشبیه نمود و روش حفظ آن را در تقیه، و عدم رعایت آن را سبب نابودی مؤمنان واقعی دانست.[۱]

همچنین حضرت وفای به عهد و ادای امانت را زمینه‌ساز هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دانست[۲] و به همین جهت در مورد دشمنان نیز این موارد باید اجرا شود.[۳] زیرا این دو صفت اساس هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است، چراکه موجب اطمینان خاطر از جانب افراد و زمینه ساز اعتماد به دیگران است. راست‌گویی نیز نقش مؤثری در هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دارد، زیرا آثاری همچون جلب رحمت الهی،[۴] فزونی برکت و فراوانی رزق[۵] و افزایش ثروت را به ارمغان می‌آورد.[۶]

یکی دیگر از امور زینت‌بخش، اهتمام ورزیدن به واجبات است، به همین دلیل امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از اصحاب به نام سلیمان مهران فرمود: «شیعیان در صورتی مایه زینت ما هستند که با مردم به نیکی و خوشی سخن بگویند و اهل ورع و زهد و امانت باشند و شبانه‌روز پنجاه‌ویک رکعت نماز بخوانند و شب‌زنده‌دار و روزه‌دار باشند».[۷] امام صادق علیه السلام فرمود: «شیعیان ما را در سه وقت امتحان کنید: در وقت نماز که چگونه بر آن محافظت می‌کنند، در نزد اسرار آنها که چگونه آن را از دشمنان ما حفظ می‌کنند و در نزد اموالشان که چگونه با آن با برادران خویش همدردی می‌کنند».[۸]

مشارکت اجتماعی زمینه‌ساز هم‌زیستی مسالمت‌آمیز نیز می‌باشد به همین دلیل است که به حضور شیعیان در مساجد فرقه‌های غیرشیعه نیز تأکید شده است[۹] حتی نمازخواندن با آنان از فضیلتی معادل نمازخواندن با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است[۱۰] و نه‌تنها به خواندن نماز در مسجدی که امام جماعت آن از مخالفان بوده، سفارش شده، بلکه از برقراری چند نماز جماعت که نشانه اختلاف و چنددستگی است منع نموده‌اند.[۱۱] روایات متعددی نیز وجود دارد که حکایت از ضرورت شرکت در جماعت مسلمانان دارند، حتی اگر شخص شرکت‌کننده تحمل همراهی کامل را نداشت، به شکل

---

۱. همان، ص ۲۱۸.
۲. همان، ج ۲، ص ۱۶۲.
۳. همان، ج ۵، ص ۱۳۳.
۴. طوسی، ***امالی***، ج ۶، ص ۳۵۰.
۵. حرعاملی، ***وسائل***، ج ۱۹، ص ۷۹ و ۶۸.
۶. همان.
۷. طوسی، ***امالی***، ص ۴۴۰؛ حر عاملی، ***وسائل***، ج ۱۲، ص ۱۹۳.
۸. طباطبایی بروجردی، ***جامع احادیث الشیعة***، ج ۴، ص ۵۸.
۹. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۲، ص ۶۳۵.
۱۰. همان، ج ۳، ص ۳۸۰.
۱۱. طوسی، ***امالی***، ج ۳، ص ۵۵.

ظاهری همراهی کند.[۱] ائمه نیز خودشان اولین کسانی بودند که به این حکم عمل کردند. امام کاظم علیه السلام ضمن بیان اینکه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام پشت سر مروان بن‌حکم نماز خواندند، تأکید کرد که ما هم با مسلمانان دیگر نماز می‌خوانیم.[۲] بنابراین از دیدگاه ائمه، شرکت در مراسم‌های اجتماعی که به وحدت جامعه و مستحکم‌تر شدن پیوند اجتماعی کمک کند، مطلوب است. امام صادق علیه السلام به شیعیان توصیه کرد که هیچ عمل خیری یافت نشود که دیگران در آن بر شما سبقت‌گیرند؛ زیرا شما نسبت به آن عمل خیر اولی هستید.[۳] در این روایت واژه «خیر» شامل هر خیری می‌شود و از شیعیان خواسته‌شده تا در هر خیری پیش‌قدم باشند؛ زیرا پیش‌قدمی شیعیان در جامعه، کاملاً آنان را ممتاز می‌کند.

همسایه‌داری نیکو نیز از اموری است که موجب هم‌زیستی مسالمت‌آمیز می‌گردد. در این خصوص گفته‌شده که کسی که به آزار و اذیت همسایه‌اش بپردازد، مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرد[۴] و بوی بهشت بر او حرام می‌شود.[۵]

از این‌رو با تحقق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، پیامدهای اجتماعی زیادی بر شیعیان مترتب می‌شود. به‌عنوان نمونه امنیت اجتماعی یکی از این آثار است، چون در دیدگاه ائمه هر چیزی که امنیت را به خطر بیاندازد، مردود است و دوری از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز یکی از زمینه‌های اختلاف است و به همین جهت است که ائمه حکومت فاسق را بهتر از نبود حکومت دانسته‌اند.[۶] همچنین هم‌زیستی مسالمت‌آمیز موجب رفع نیازهای افراد در جامعه می‌شود و سفارش امام صادق علیه السلام به مشارکت اجتماعی برای همین امر است.[۷] حدیث زینت و امثال آن بیانگر این حقیقت است که اگر کسی بخواهد خود را از جامعه کنار بکشد و با دیگران معاشرت نکند، صرفاً یک‌دستِ کمک‌کننده را از آنان بازداشته اما در عوض دست‌های بسیاری را در مواقع خاص که می‌توانند در زندگی‌اش به او کمک کنند، از دست داده است.[۸] از این‌رو تلاش امام صادق علیه السلام درپی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، بدین‌جهت است که دوران ایشان یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخی بود و تلاش‌های فراوانی توسط حضرت

---

۱. حر عاملی، ***وسائل***، ج ۸، ص ۲۹۹.
۲. همان ص ۳۰۱.
۳. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۲، ص ۲۲۰.
۴. مجلسی، ***بحارالانوار***، ج ۷۱، ص ۲.
۵. حر عاملی، ***وسائل***، ج ۱۲، ص ۱۲۷.
۶. ***نهج‌البلاغه***، خ ۴۰.
۷. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۲، ص ۶۳۵.
۸. همان، ص ۱۱۷.

در جهت ترکیب جماعت‌های اسلامی صورت گرفت و بسیاری از فرقه‌ها، موضع سازش‌کارانه اتخاذ نمودند.[۱]

۳. سازمان‌دهی اقلیت شیعه در درون اکثریت سنی

چنانچه گذشت، زمان امام صادق‌علیه‌السلام به‌نحوی بود که بیشتر شیعیان در کوفه زندگی می‌کردند و در مدینه نیز در اقلیت بودند.[۲] به همین جهت بی‌توجهی برخی شیعیان از حساسیت‌های موجود باعث به‌وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی همچون از دست رفتن آبرو[۳] و جان شیعیان شده بود.[۴] اما امام صادق‌علیه‌السلام بهره‌گیری از با حدیث زینت اقدام به سازمان‌دهی اقلیت شیعه در میان اکثریت سنی نمود و آنان را به مشارکت در امور اجتماعی تشویق نمود.[۵] به‌طوری‌که حدومرزی بین شیعه و سنی قائل نشد. حتی فاصله گرفتن از جامعه اسلامی را ـ هرچند به مقدار ناچیز ـ خروج از اسلام دانست.[۶] این روایات نشان می‌دهند که هرچند ائمه در زمانی زندگی می‌کردند که بیشتر افراد آن جامعه، تابع آنان نبودند، اما ایشان به‌دلیل مصلحت‌هایی که در مراودات اجتماعی می‌دیدند، به‌هیچ‌وجه راضی نبودند که پیروانشان از اجتماع کناره بگیرند و به گروهی در حاشیه تبدیل شوند.[۷] زیرا در این صورت آسیب‌پذیری آنان بالا می‌رفت و در اکثریت سنی مضمحل می‌شدند؛ بنابراین هدف امام از سازمان‌دهی شیعیان، غلبه‌دادن اقلیت شیعی بر اکثریت سنی است، به‌نحوی‌که هرکدام از شیعیانِ خاص حضرت، در شاخه‌ای متخصص شدند[۸] و در مناطق مختلف پاسخ‌گوی بسیاری از مسائل اساسی بودند[۹] و علاوه بر اینکه اقلیت شیعه در میان اکثریت سنی مضمحل نشد بلکه اقلیت شیعه به‌نحوی غالب شد که بسیاری از اهل‌سنت از شاگردان امام صادق‌علیه‌السلام قرار گرفتند و از مقام علمی حضرت سخن گفتند.[۱۰]

---

۱. جعفری، ***تشیع در مسیر تاریخ***، ص۳۰۴.
۲. ابن‌معین، ***تاریخ یحیی بن معین***، ج ۴، ص ۳۷۲.
۳. مفید، ***رسالة المتعة***، ص ۱۵.
۴. حر عاملی، ***وسائل***، باب ۳۱.
۵. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۲، ص ۲۱۹؛ حر عاملی، ***وسائل***، ج ۱۶، ص ۲۱۹؛ نجاشی، ***رجال نجاشی***، ص ۴۳۳.
۶. همان، ص ۴۰۴.
۷. رستمیان، «ائمه‌علیهم‌السلام منادی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز»، ***مجله هفت آسمان***، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۴۷.
۸. طوسی، ***امالی***، ص ۲۷۵.
۹. امین، ***سیره معصومان‌علیهم‌السلام***، ج ۵، ص ۶۶؛ شهیدی، ***زندگانی امام صادق جعفر بن محمد‌صلی‌الله‌علیه‌وآله***، ۱۳۸۴، ص ۶۵ و ۶۶؛ به‌نقل از: ابن‌خلکان، ***وفیات الاعیان***، ج ۱، ص ۲۹۱؛ صفایی، ***هشام بن حکم مدافع حریم ولایت***، ص ۱۴.
۱۰. حیدر، ***امام صادق‌علیه‌السلام و مذاهب چهارگانه***، ج ۲، ص ۵۳.

بنابراین اصول هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقتضا دارد که این فاصله حتی در مورد پیروان ادیان دیگر نیز وجود نداشته باشد؛ زیرا در سیره ائمه شاهدیم که آنان با یهودیانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کردند، هم‌پیمان بودند،[۱] زیرا هم‌زیستی مسالمت‌آمیز برکات مختلفی را برای جامعه انسانی درپی دارد، یکی از این برکات سازمان‌دهی اقلیت در میان اکثریت است. شخصی به امام صادق‌علیه‌السلام عرض کرد که خاندان فلانی به همدیگر نیکی می‌کنند، امام فرمود: «در این صورت هم جمعیتشان فزونی می‌یابد و هم اموالشان زیاد می‌شود و مادامی‌که این‌گونه هستند، این وضعیت باقی می‌ماند.»[۲] در این روایت حضرت فزونی جمعیت و ازدیاد مال را شرط بقاء دانستند. از این‌رو تلاش امام برای این است که اقلیت شیعی را چه از نظر جمعیتی و چه مالی ـ که تحت‌فشار بودند ـ طوری سازمان‌دهی کند که در میان اکثریت سنی مضمحل نشوند.

همچنین امام صادق‌علیه‌السلام نمادهایی را برای معرفی سازمان شیعه بیان کرد. حضرت ورع، تقوا، راست‌گویی، خوش‌زبانی و خلق نیکو را به‌عنوان نمادی برای شیعیان بیان کرد[۳] تا بدین‌وسیله اقلیت شیعه معرفی شود. ایشان مهم ترین نماد را پیروی شیعیان از امام خود دانست[۴] و فرمود: «دروغ گفته است کسی که می‌پندارد از شیعیان ما است، ولی چنگ به ریسمان دیگران می‌زند».[۵]

بنابراین بررسی و تحلیل محتوای حدیث زینت نشان داد که بسترشناسی تاریخی نقش بسیار مهمی در تحلیل دقیق محتوای حدیث داشته و با توجه به این تحلیل‌ها می‌توان به علت صدور حدیث دست‌یافت، زیرا امام در شرایط خاص زمانی و مکانی قرار داشت و هدف اصلی ایشان حفظ و صیانت از شیعه در مقابل انحرافات موجود در زمان خود بود که به‌طور دائم شیعیان را تهدید می‌نمود.[۶]

نتیجه

دوران امامت امام صادق‌علیه‌السلام متمایز با دوران ائمه قبل از خود بود زیرا عواملی همچون تزلزل بنی‌امیه، به قدرت رسیدن بنی‌عباس، مدت امامت حضرت، جایگاه اجتماعی ایشان در میان اهل‌سنت، وجود

---

۱. رک: آقانوری، ***امامان شیعه و وحدت اسلامی***، ص ۲۲۶ به بعد.
۲. کلینی، ***اصول الکافی***، ج ۲، ص ۱۵۴.
۳. صدوق، ***أمالی***، ص ۴۰۰.
۴. محمدی ری‌شهری، ***منتخب میزان الحکمة***، ص ۲۸۵.
۵. صدوق، ***امالی***، ص ۴۵.
۶. جعفریان، «روش ابن‌حزم در نقد اخبار تاریخی»، ***حوزه و پژوهش***، ۱۳۸۲، ص ۳۲۵.

برخی از قیام‌ها، وجود تضارب آرا و افکار و عمل به تقیه، وضعیت ویژه‌ای را برای امام رقم زد و فرصت‌های استثنایی برای امام صادق‌علیه‌السلام فراهم نمود که برای ائمه دیگر کمتر فراهم شد. از طرف دیگر این دوران دارای آسیب های اجتماعی همچون وجود غالیان، عدم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز شیعیان با دیگران و بی‌توجهی یا عدم آگاهی برخی از شیعیان به حساسیت‌های زمانه بود که موجب تفرقه و به خطر افتادن آبروی شیعه و همین‌طور باعث تخریب هویت و چهره واقعی و اصیل شیعه گردید.

امام صادق‌علیه‌السلام با توجه به آسیب‌های اجتماعی موجود و فرصت‌های به‌دست‌آمده، مجموعه اقداماتی را انجام داد که یکی از این اقدامات بیان حدیث زینت بود. حضرت با بیان حدیث زینت اقدام به حفظ و بازسازی شیعه، تحقق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان و سازمان‌دهی اقلیت شیعی در میان اکثریت سنی نمود. ایشان در جهت حفظ هویت شیعیان، آنان را از ارتباط با معاندین نهی نمود و چهره واقعی آنان را برای شیعیان آشکار کرد و حتی آنان را بدتر از کفار و مجوس دانست. همچنین شیعیان را به مشارکت اجتماعی تشویق کرد تا آنان به وظایف اجتماعی عمل نمایند و از امتیازات اجتماعی بهره‌مند گردند و برای تمایز شیعیان از غیرشیعه، به انجام معیارهای رفتاری در جامعه تشویق نمود.

امام صادق‌علیه‌السلام برای ایجاد وحدت و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز شیعیان با دیگران، به مشارکت اجتماعی، عمل به تقیه، وفای به عهد، امانت‌داری، راست‌گویی و غیره تشویق نمود و این اعمال را زمینه‌ساز هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دانست که درپی آن امنیت اجتماعی، برطرف شدن نیازها در جامعه، وحدت و غیره محقق می‌شود که مایه زینت امام و شیعیان است. حضرت برای سازمان‌دهی اقلیت شیعه در درون اکثریت سنی، حدومرزی برای شیعه و سنی قائل نشد و آنان را به مشارکت اجتماعی با اهل‌سنت توصیه نمود. در واقع هدف امام این بود که شیعه را از قرار گرفتن در حاشیه دور کند تا احساس ضعف نکنند و آسیب‌پذیری آنان کاهش یابد و بتوانند بر اکثریت سنی غلبه پیدا کنند تا در صورت تهدید از سوی مذاهب دیگر، مضمحل نشوند. امام نمادهای رفتاری را برای سازمان شیعه تعریف نمود تا از دیگر سازمان‌ها شناخته‌شده و به ترویج معارف خود بپردازند. بنابراین روشن شد که بسترشناسی تاریخی، نقش بسیار مهمی در تحلیل محتوای حدیث داشته و بدون آن امکان خطا در دستیابی به نتیجه بسیار زیاد است.

منابع و مآخذ

۱. آقابخشی، علی و مینو افشاری، ***فرهنگ علوم سیاسی***، تهران، چابهار، ۱۳۸۳.

۲. آقانوری، علی، ***امامان شیعه و وحدت اسلامی***، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷.

۳. ابن ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ***الجرح و التعدیل***، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۱ ق / ۱۹۵۲ م.

٤. ابن‌حبان، محمد، ***مشاهیر علما الامصار***، به‌کوشش م. فلایشهمر، قاهره، ۱۳۷۹ ق / ۱۹۵۹ م.

۵. ابن‌سعد، محمد، ***الطبقات الکبیر***، به‌کوشش لیدن، سترستین، ۱۳۲۵ ق / ۱۹۰۷ م.

٦. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، ***البدایة و النهایة***، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٧ ق.

۷. ابن‌معین، یحی بن معین، ***تاریخ یحی بن معین***، مصحح احمد محمد، مکه، مرکز البحث العلمی التراث الاسلامی، ۱۳۹۹ ق.

۸. الهامی، داود، ***سیری در تاریخ تشیع***، قم، مکتب اسلام، ۱۳۷۵.

۹. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، ***مقاتل الطالبیین***، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٤١٩ ق.

۱۰. اربلی، علی بن عیسی، ***کشف الغمه***، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱.

۱۱. اشعری، سعد بن عبدالله، ***المقالات و الفرق***، مصحح محمدجواد مشکور، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ١٣٦٠، چاپ دوم.

۱۲. امین، محسن، ***سیره معصومان***علیهم‌السلام، ترجمه حجتی کرمانی، تهران، سروش، ١٣٧٦.

۱۳. بهروز لک، غلام‌رضا، «اسلام سیاسی و جهانی‌شدن»، ***فصلنامه مطالعات راهبردی***، ش ۱۳، بهار ۱۳۸۵.

١٤. پیشوایی، مهدی، ***سیره پیشوایان***، قم، مؤسسه امام صادق‌علیه‌السلام، چاپ یازدهم، ۱۳۸۲.

۱۵. جاحظ، عمرو بن بحر، ***رسائل جاحظ ارسائل الأدبیه***، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۲ م.

١٦. جعفری، محمدحسین، ***تشیع در مسیر تاریخ***، تهران، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۸۲.

۱۷. جعفریان، رسول، «روش ابن‌حزم در نقد اخبار تاریخی»، ***حوزه و پژوهش***، ش۱۳ و ١٤، ۱۳۸۲.

۱۸. جعفریان، رسول، ***حیات فکری سیاسی امامان شیعه***، قم، انصاریان، چاپ دهم، ١٣٨٦.

۱۹. حافظ مزی، یوسف بن عبدالرحمن، ***تهذیب الکمال***، به‌کوشش بشار عواد معروف، بیروت، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.

۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن، ***وسائل الشیعة***، مصحح مؤسسة آل البیت، قم، انتشارات مؤسسة آل‌البیت، الطبعة الاولی، ١٤٠٩ ق.

۲۱. حلی، حسن بن یوسف، ***ترتیب خلاصة الاقوال فی معرفة علم الرال***، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.

۲۲. حیدر، اسد، ***امام صادق***علیه‌السلام ***و مذاهب چهارگانه***، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، بیروت، دارالتعارف، ١٤٢٢ ق.

۲۳. دینوری، ابن‌قتیبه، ***الامامة و السیاسة***، تحقیق علی شیری، قم، انتشارات شریف رضی، ۱٤۱۳ ق.

۲٤. ذهبی، محمد بن احمد، ***سیر اعلام النبلاء***، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱٤۱٤ ق.

۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ***مفردات فی غریب القرآن***، تحقیق سید گیلانی، تهران، المکتبة المرتضویة، بی‌تا.

۲٦. رستمیان، محمدعلی، «ائمه‌ﷺ منادی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز»، ***مجله هفت آسمان***، پاییز ۱۳۸۹، شماره ٤۷.

۲۷. سهمی، حمزه بن یوسف، ***تاریخ جرجان***، بیروت، عالم الکتب، چاپ چهارم، ۱٤۰۷ ق یا ۱۹۸۷ م.

۲۸. شهرستانی، ابی‌الفتح محمد، ***ملل و نحل***، بیروت، دارالمعرفه وللطباعه و النشر، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

۲۹. شهیدی، سید جعفر، ***زندگانی امام صادق جعفر بن محمد***ؑ، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.

۳۰. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، ***المحیط فی اللغه***، بیروت، عالم الکتب، ۱٤۱٤ق.

۳۱. صدوق، محمد بن علی، ***امالی***، تهران، کتابچی، ۱۳۷٦.

۳۲. صدوق، محمد بن علی، ***من لا یحضره الفقیه***، محقق و مصحح علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱٤۱۳ ق.

۳۳. صفایی، سید احمد، ***هشام بن حکم مدافع حریم ولایت***، تهران، نشر آفاق، ۱۳۵۹.

۳٤. صفری فروشانی، نعمت‌الله، ***غالیان***، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.

۳۵. صفری فروشانی، نعمت‌الله، ***نقش تقیه در استنباط***، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۹٤.

۳٦. طباطبایی بروجردی، حسین، ***جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعة***، تهران، المطبعة المساحة، ۱۳۸۰ ق.

۳۷. طبری، محمد بن جریر، ***تاریخ طبری***، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.

۳۸. طریحی، فخرالدین، ***مجمع البحرین***، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱٤۱٦ ق.

۳۹. طقوش، محمدسهیل، ***دولت عباسیان***، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دهم، ۱۳۹۵.

٤۰. طوسی، محمد بن حسن، ***امالی***، قم، اندیشه هادی، ۱۳۸۸.

٤۱. عضدانلو، حمید، «درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان»، ***اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی***، شماره ۱۰٤ ـ ۱۰۳، ۱۳۷۵.

۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، ***العین***، قم، هرت، ۱۴۱۰ ق.

۴۳. قیومی، محمد ابراهیم، ***الخوارج و المرجئه***، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۴۲۳ ق.

۴۴. کریمی‌نیا، محمدمهدی، «ادیان الاهی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز»، ***رواق اندیشه***، ۱۳۸۲، ش۲۶.

۴۵. کشی، محمد بن عمر، ***رجال کشی ـ إختیار معرفة الرجال***، مشهد، ۱۴۰۹ ق.

۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ***اصول الکافی***، ترجمه مصطفوی، تهران، کتاب‌فروشی علمیه اسلامیه، ۱۳۶۹.

۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ***اصول الکافی***، قم، دار الحدیث للطباعه والنشر، بی‌تا.

۴۸. گیلانی، عبدالرزاق، ***مصباح الشریعه***، تهران، صدوق، ۱۳۶۶.

۴۹. مجلسی، محمدباقر، ***بحار الانوار***، مصصح معی از محققین، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانیة، ۱۴۰۳ ق.

۵۰. محمدی ری شهری، محمد، ***منتخب میزان الحکمه***، ترجمه شیخی حمیدرضا، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۸.

۵۱. محمدی ری‌شهری، محمد، ***منتخب میزان الحکمة***، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۸.

۵۲. مسعودی، علی بن الحسین، ***مروج الذهب و معادن الجوهر***، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهرة، الطبعة الثانیة، ۱۴۰۹ق.

۵۳. مطهری، مرتضی، ***نظام حقوق زن در اسلام***، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۳.

۵۴. مطهری، مرتضی، ***یادداشت‌های استاد مطهری***، قم، صدرا، ۱۳۸۲.

۵۵. مفید، محمد بن محمد، ***رسالة المتعة***، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۵۶. مکارم شیرازی و دیگران، ***تفسیر نمونه***، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۵.

۵۷. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس، ***رجال نجاشی***، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ششم، ۱۴۱۸ ق.

۵۸. ***نهج البلاغه***، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر بیت الاحزان، ۱۳۸۵.

۵۹. نوبختی، حسن بن موسی، ***فرق نوبختی***، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.

۶۰. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب، ***تاریخ الیعقوبی***، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

۶۱. هاشم معروف حسنی، ***سیرة الائمه الاثنی عشر***، نجف، المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۲ ق.